

تصویرسازی دولت اسلامی عراق و شام از خشونت و قدرت اجتماعی

ارسلان قربانی شیخ نشین*^۱

حمید امامی^۲

سید علی منوری^۳

چکیده

۲۱۹

از مهم‌ترین مشخصه‌های نظام بین‌الملل در عصر حاضر ظهور عوامل شگفتی‌ساز است که اثرگذاری آن‌ها بر ساختار و عملکرد محیط بین‌الملل متفاوت از اثرگذاری پدیده‌های گذشته است. ظهور پدیده تروریستی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را می‌توان از این موارد دانست، داعش نمونه‌ای از گروه‌های تروریستی نوین بوده بر ترور و خشونت تاکید فراوان می‌ورزیده است، این گروه تروریستی در اعتقادات پیشامدرن و گذشته‌گرا، اما در عرصه عمل بازیگر بین‌المللی و بدنبال بهره‌گیری از ابزارهای عملی و تکنولوژیک عصر جهانی شدن و پسامدرنیسم است. در حالی که دولت - ملت‌های جهان، صرف نظر از رویه عملی، در بحث تبلیغاتی و انگاره‌سازی از خود، اغلب در تلاش‌اند تا تصویری صلح طلب و قانونمند و عاری از خشونت را از خود نشان دهند، برخلاف آن یکی از فعالیت‌های متداول داعش در طول سال‌ها، نمایش جلوه‌های خشونت آمیز از اعدام‌های افراد دستگیر شده در فضای مجازی بوده است. بر همین اساس، پژوهش ما، موارد نمایش جلوه‌های خشونت آمیز داعش را به شکل آماری تبیین و نمادهای حاکی از رویکرد افزایش قدرت اجتماعی داعش را در آن‌ها تشریح نمود. پرسش اصلی این پژوهش این گونه طرح شد که «چگونه نمایش رویکرد خشونت در داعش موجب افزایش قدرت اجتماعی این گروه شده است؟» فرضیه ما اینکه؛ «نوع تصویرسازی داعش از خشونت، نقشی اساسی در افزایش قدرت اجتماعی داعش داشته است». در اثبات مدعای پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و اسناد مرتبط با موضوع استفاده شد و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، فرضیه تحقیق به آزمون گذاشته شد.

واژگان کلیدی: تصویرسازی، قدرت اجتماعی، داعش، عراق، سوریه



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

۱. استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* arsalangh@yahoo.com

۳. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و سوم، صص ۲۴۷-۲۱۹

مقدمه

گروه‌های تروریستی، با وجود انتقاداتی که متوجه آنهاست، مانند دیگر پدیده‌های روابط بین‌الملل - از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌های غیر دولتی و افراد - موضوع روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. (گریفتس، ۱۳۹۴: ۳۰۴-۲۹۸)

بر این اساس تحولات بروز یافته در چند سال اخیر و ظهور گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه مسأله مهمی است که باعث ایجاد موجی از هراس و نگرانی در سطح منطقه و جهان شده است. در پی تحولات دهه دوم قرن بیست و یکم میلادی، داعش به عنوان یک گروه تاثیرگذار در روابط بین‌الملل شناخته شده است. این گروه در ابتدا تنها یک فرقه تروریستی فاقد قلمرو محسوب می‌شد، اما با تصرف بخشهای مهمی از عراق و سوریه و اعلام تأسیس دولت اسلامی عراق و شام در سال ۲۰۱۴ میلادی، خود را به عنوان یک دولت دارای جلوه‌هایی از حاکمیت بر بخش وسیعی از خاورمیانه، شامل نقاط کلیدی و استراتژیک عراق و سوریه معرفی کرد و با حرکت به سوی تصرف کامل عراق و اشغال جنوب این کشور، حاکمیت دولت‌های بزرگ منطقه خاورمیانه را به چالش کشید. (Awan, 2017: 138-149)

نخستین حرکت داعش در دولت سازی تصرف رقه سوریه در ژانویه سال ۲۰۱۴ میلادی بود و این شهر به عنوان پایتخت نخست داعش معرفی شد. شش ماه بعد، در دهم ژوئن سال ۲۰۱۴، موصل به دست داعش افتاد و در پی فرار یگان‌های نظامی و نیروهای امنیتی عراق، استان نینوا هم تسلیم دولت اسلامی عراق و شام شد و دولت داعش به شکل رسمی پا به عرصه وجود نهاد. (Ostaeyen, 2016), (Lewis, 2014)

با وجود دیدگاه‌های متعصبانه و واپس‌گرای داعش، استفاده وسیع این گروه تروریستی از ابزارهای رسانه‌های نوین، محققان را با نوعی تضاد مواجه می‌کند. پاسخ به این سؤال که داعش، با وجود داشتن اندیشه‌های سلفی، چرا به ابزارهای نوین ارتباطی رو آورده است، ما را به درکی جدید از مفهوم قدرت اجتماعی و ابزارهای نوین آن راهنمایی می‌کند. درک درست از تحولات مفهوم قدرت می‌تواند ارتباط میان تلاش داعش برای گسترش قلمروش و استفاده بی‌بدیل این گروه واپس‌گرا از ابزارهای نوین

ارتباطی را توجیه کند. (Milton, (Nissen, 2015), (Hansen, 2015: 263-288). (2016)

ژان بودریار در کتاب «شبهه سازی واقعی و دروغین»^۱ بر این مهم تاکید دارد که «تروریسم مفهوم خشونت را غصب نموده است؛ به عبارت دیگر، تروریست‌ها پوسته‌ای از خشونت قابل لمس را جانشین خشونت غیرقابل لمسی نموده‌اند که به عنوان اهرمی در جهت برقراری امنیت اعمال می‌شود» (Baudriard, 1994: 5)

این واقعیت بیانگر رخدادی است که با تحول مفهوم قدرت - بر اثر شکل‌گیری رسانه‌های جدید- پدید آمده است. در واقع، بودریار در تلاش است از واقعیتی رونمایی کند که در قالب نمایش خشونت از سوی تروریست‌ها شکل گرفته است و توانسته چهره‌ای قدرتمند و تا حدی مخوف از تروریست‌ها در اذهان ایجاد نماید. (Poster, 1988: 166-182)

در این پژوهش، مفروض ما این است که داعش به، مانند همه پدیده‌های بین‌المللی، به دنبال افزایش قدرت خود است و از هر وسیله‌ای برای نیل به این هدف سود می‌برد. فرضیه تحقیق این است که گروه تروریستی داعش، با بهره‌برداری از امکان نمایش خشونت که به مدد گسترش و در دسترس عموم قرار گرفتن ابزارهای نوین تبلیغاتی فراهم شده است، توانسته به مراتبی از قدرت در دو بعد داخلی و خارجی دست یابد و خود را به عنوان یک دولت قدرتمند برای دوستان و علاقمندان به تفکر سلفی، تکفیری و تهدیدی مهم برای دشمنانش در منطقه خاورمیانه و جهان مطرح کند.

۱. ادبیات پژوهش

تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با قدرت گرفتن داعش، اغلب در بررسی بعد تاریخی شکل‌گیری این گروه متوقف مانده‌اند و با مروری بر سوابق تجربی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نشان می‌دهد؛ در رابطه با موضوع پژوهش باید گفت که اولاً در رابطه با شناخت رویکرد تبلیغاتی این گروه و نقش آن در افزایش قدرت اجتماعی داعش پژوهشی صورت نگرفته است. اگرچه برخی از مطالعات به جنبه‌های آن با توجه به موضوع مورد تحقیق خود اشاره داشته‌اند؛^۳ البته، در بسیاری از این تحقیقات، تلاش

1. Simulcara and Simulation

شده است که ارتباط میان قدرت داعش با دیگر عوامل مؤثر بر تحولات بین‌المللی بررسی شود، اما اغلب محققان به جنبه‌های سنتی تر موضوع توجه نموده‌اند و برای قدرت اجتماعی داعش اهمیتی قائل نشده‌اند. در نگاهی کلی، می‌توان پژوهش‌ها درباره این موضوع را در دو حوزه «مبانی درونی قدرت یابی داعش» و «نقش معادلات منطقه ای و بین‌المللی در قدرت یابی داعش» طبقه‌بندی کرد.

الف) مبانی درونی قدرت داعش: این گروه از محققان تلاش کرده‌اند دریابند که داعش چگونه توانسته است به سرعت دولتی هر چند ضعیف و بدون برخی از مؤلفه‌های سنتی دولت-ملت سازی یعنی قلمرو، جمعیت حکومت و حاکمیت در منطقه خاورمیانه تشکیل دهد. مثلاً، «قدیر نصری» و «سالی بیتار»، در مقاله «خشونت به سیاق داعش؛ بحثی در انگیزه و بنیاد فکری خشم» و تحقیق «خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگ؛ مورد داعش در عراق و سوریه»، خشونت را ابزار داعش برای رسیدن به اهدافش خوانده‌اند و معتقدند که داعش، با بازتعریف خشونت و بهره برداری از آن، توانسته روشی جدید برای دستیابی به اهداف گروه‌های تروریستی ایجاد کند.. (نصری، ۱۳۹۳) (Bitar, 2015).

«علی بختیار»، در کتاب «داعش، خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»، دیدگاه فاشیستی به دین و تبعات آن را موجب رویکردی می‌داند که در نهایت، به شکل‌گیری گروه‌های تروریستی مانند داعش منجر می‌شود. (بختیار، ۱۳۹۴) «آنیکا والدک»، «کول بانزل» و «الیزابت پولی» در تحقیقات خود با عنوان‌های «ایدئولوژی داعش؛ محرکی برای اروپاییان در تبدیل شدن به جنگجویان خارجی»، «از دولت کاغذی تا خلافت؛ ایدئولوژی دولت اسلامی» و «خواهر خواندگی جدید؛ جذابیت داعش در سوریه برای زنان مسلمان در انگلیس»، اندیشه سلفی و تعابیر رمز آلودی مانند «هجرت» را، در کنار غلیان احساسات مذهبی، موجب جذب جوانان اروپایی به داعش خوانده‌اند؛ اما به روش‌های تبلیغاتی داعش در نمایش خشونت توجه نکرده‌اند. (Waldeck, 2015), (Pooley, 2015), (Bunzel, 2015)

«قاسم ترابی» و «امیر حشمتی»، در مقاله «نظریه انتقادی فرانکفورت و تبیین حرکت‌های ساختارشکنانه با تاکید بر تروریسم داعش»، بیان کرده‌اند که اعتراضات دینی سرکوب شده در جوامع عربی، به خصوص به علت حضور فرهنگ غربی در این جوامع،

زمینه تشکیل داعش بوده است. این محققان، براساس دیدگاه انتقادی متفکران مکتب فرانکفورت، به تبیین علل تشکیل داعش پرداخته‌اند. (ترابی و حشمتی، ۱۳۹۴: ۸۳-۱۰۶) با این حال، همه این محققان به وجه قدرت آفرینی خشونت داعش، به خصوص قدرت اجتماعی برخاسته از نمایش خشونت داعش، بی اعتنا بوده‌اند.

ب) نقش معادلات منطقه ای و بین‌المللی در ایجاد داعش: در این تحقیقات، اراده پدیده‌های بیرونی روابط بین‌الملل را علت کلیدی پیدایش و قدرت یابی این گروه دانسته‌اند. «دیوید فیلیپس» قدرت داعش را نتیجه معادلات منطقه ای خوانده و در مقاله «بحران داعش»، علت پیشرفت سریع داعش را خواست آمریکا برای تقویت کردها در منطقه خاورمیانه قلمداد کرده است. (Philips, 2014) «اسماعیل زاده» و «احمدی»، در مقاله «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، قدرت گرفتن داعش را نتیجه خواست قدرت‌های منطقه ای مانند اسرائیل، عربستان، قطر و ترکیه و قدرت‌های بین‌المللی مانند آمریکا برای تهدید امنیت ایران دانسته‌اند. (اسماعیل زاده و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۲۳) «ساوه درودی» هم، در مقاله «گروهک تروریستی داعش: برآیند تنازعات و نا امنیهای منطقه ای»، مجموعه ای از بازیگران را که موجب نا امنی در عراق شده‌اند، عامل پدید آمدن داعش می‌داند. (ساوه درودی، ۱۳۹۳) «گوش مراد» و «صبری چیف چی»، در مقاله «چرا شهروندان ترکیه ای به داعش می‌پیوندند؟» رویکرد اسلام‌گرای دولت ترکیه را در قدرت گرفتن داعش مقصر می‌دانند. (مراد و چیف چی، ۱۳۹۳) «طاهر پیروتی»، در تحقیق «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر با تاکید بر القاعده و داعش»، سیاست خارجی آمریکا را دوگانه توصیف کرده و آن را آ یکی از علل پیدایش داعش بر شمرده است. (پیروتی، ۱۳۹۴) «محمد علی بصیری» و همکارانش، در مقاله «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه؛ مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، وجود تنازع و رقابت میان بازیگران مهم در خاورمیانه را علت اصلی شکل‌گیری داعش دانسته‌اند. (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۱-۷۱) «ناوشکی» و «احمدیان»، در مقاله «عوامل قدرت یابی داعش در عراق»، ورشکسته بودن دولت عراق و ناتوانی آن در برقراری امنیت را عامل اصلی ایجاد داعش خوانده‌اند. (ناوشکی و احمدیان، ۱۳۹۴: ۴۳-۶۸)

در میان تحقیقات موجود، تحقیقی از «قدرت احمدیان» و «مختار نوری» وجود دارد که تا حدودی به موضوع تحقیق ما نزدیک شده است. در این تحقیق، با عنوان «نقش ابعاد تکنولوژیک و سیاسی جهانی شدن در گسترش جریان‌های افراطی؛ بررسی موردی داعش»، تلاش شده که به موضوع پیدایش داعش در سایه تحولات عصر حاضر توجه شود و به این نتیجه رسیده است که تحولات فن‌آورانه موجب تقویت گروه‌های افراطی و خشونت طلب مانند داعش شده‌اند. البته، در این تحقیق، محققان بیشتر به موضوع تأثیر وسیع شدن قلمرو در قدرت یابی داعش پرداخته‌اند و موضوع فن‌آوری ارتباطی و تصویر سازی خشونت در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. (احمدیان و نوری، ۱۳۹۴، صص ۴۲-۵۳) در تحقیق دیگری، «مولین فریس» تلاش کرده است به تصویر سازی تروریست‌ها و به خصوص داعش توجه کند، اما از ارتباط آن با قدرت داعش سخنی به میان نیاورده است. (Molin Friis, 2017), (Molin Friis, 2015)

لذا در یک ارزیابی کلی می‌توان چنین گفت که تحقیقات موجود، بیشتر بر مبانی درونی شکل‌گیری قدرت داعش و یا نقش معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان عنصر بیرونی در پیدایش و قدرت یابی این گروه توجه شده است. بنابراین به دلیل کمبود چنین پژوهش‌هایی، در این تحقیق، آنچه مد نظر ماست، نه نگاه بیرونی به داعش، بلکه توجه به ابعادی از داعش است که از درون دولت اسلامی عراق و شام برخاسته و باعث شده که از تصویر سازی خشونت به عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت اجتماعی استفاده شود. تصویر سازی خشونت که با فنون و ابزارهای جدید رسانه‌ای صورت گرفته، توانسته است نوعی از قدرت اجتماعی را در اختیار داعش قرار دهد تا به کمک آن دولتی جدید و با شمایل قرون وسطایی را در قلب خاورمیانه تأسیس و لا اقل تا مدتی آن را حفظ کند. می‌توان گفت که این رویکرد در بررسی داعش رویکردی جدید در ادبیات علمی و پژوهشی رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

۲. رهیافت نظری

۲-۱. سازه انگاری

سازه انگاری بر این باور است که همه جریان‌های عینی موجود در عرصه تعاملات بین‌المللی، هنجارها و قواعد را معیارهایی برای منافع خردمندانه و عقلایی دولت‌ها تلقی می‌کنند و بر اساس همان هنجارها و قواعد، منافع دولت و ملت‌ها صورت عینی به خود می‌گیرند. به همین ترتیب هنجارها و قواعد نیز اساس بازی بین‌المللی به شمار می‌روند و تعیین این که چه بازیگرانی با چه اصولی، نتایج مورد نظر عملی و عینی را در عرصه تعاملات بین‌المللی به دست می‌آورند. (امینی، ۱۳۸۳: ۱۶۰)

سازه‌انگاران معتقدند که روابط بین‌الملل، مثل روابط سیاسی دیگر، به طور اجتماعی ساخته شده است. طبیعت تمایلات میان کشورها فقط محصول عوامل مادی عینی، مثل موازنه تجاری یا موازنه قدرت نظامی یا ساختار سازمان‌های داخلی نیست. روابط متقابل دولتی از درجه درخور توجه عوامل ذهنی، شامل عقاید و ایده‌ها تشکیل شده است و باعث تفسیر ویژه حوادث و داده‌ها می‌شود. مهم‌ترین این عقاید و ایده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: هویت‌ها شامل خودآگاهی بازیگران سیاسی و تصورات مشترک آن‌ها از دیگران، فرهنگ‌های استراتژیک که مجموعه‌ای از عقاید درباره ویژگی اساسی سیاست‌های بین‌الملل و بهترین روش‌ها موفق شدن در آن، به ویژه درباره کاربرد زور و چشم اندازهای همکاری است و هنجارها که نه تنها درباره اینکه چه چیزی مؤثر است، بلکه درباره اینکه چه چیزی حق است یا در حوزه بین‌الملل مناسب است. (امام جمعه زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۷۹)

سازه انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابد. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵)

سازه گرایان بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تاکید دارند و کانون توجه آنان آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. در این رویکرد ساختار و کارگزار به شکلی متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند. ساختار جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد. در این رویکرد دولت‌ها نهادهای هستند که موجودیت و خصوصیتشان وابسته به باز تولید انواع خاصی از رویه‌هاست. دولت صرفاً واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه‌ای از رویه‌هاست که به شکل هنجاری قوام یافتند. (امیرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۲) در نظریه سازه انگاری، نقش فرهنگ به عنوان عامل شکل دهنده به هویت دولت‌ها و برداشت آن‌ها از خود و دیگران، بروز می‌یابند. (یزدان فام و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۰)

۲-۲. تصویرسازی

تصویرسازی عبارت است از تلاش پدیده‌های بین‌المللی برای شکل دهی به ادراک و ذهنیت اشخاص، نهادها و بازیگران از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوا، بر اساس ادراک یا هدف مورد نظر. (تاجیک، ۱۳۸۹: ۷) البته، تصورسازی ابزاری دیرین در دست دولت‌ها و دیگر تأثیرگذاران در روابط بین‌الملل است که اغلب با هدف نمایش چهره‌ای مطلوب از آن‌ها در سازمان‌های رسانه‌ای و در چارچوب دیپلماسی عمومی پیگیری می‌شود. در این چارچوب، اغلب دولت‌های مهاجم به دیگر کشورها چهره یک ناجی را از خود ترسیم می‌کنند و غالباً، تلاش بر این است که رفتار خشن نیروهای نظامی که با واکنش منفی افکار عمومی روبرو می‌شود، مدیریت شود و انتشار نیابد. (Van Munster, 2015: 112-132), (Euben, 2002: 4-35)

این موضوع در باره داعش به شکل کاملاً معکوس رخ داده است؛ به گونه‌ای که افکار عمومی بین‌المللی اکنون این گروه را با یادآوری صحنه‌های قتل فجیع و به تعبیر «مولن فریس»، با خشونت حاد به خاطر می‌آورند. نمایش خشونت که یکی از مهم‌ترین مباحث تصویرسازی، به خصوص در مورد گروه‌های تروریستی است، به فرایندی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، این گروه‌ها، در نظام بازنمایی خویش، می‌کوشند انگاره‌ای خشن و سفاک از خود ارائه کنند. ماهیت اخلاقی خشونت همواره مورد تردید و حتی

انزجار مخاطبان داخلی و خارجی گروه‌های تروریستی قرار گرفته است، اما تأثیر آن در اطاعت پذیری در داخل و ایجاد ترس و وحشت و تضعیف روحیه در خارج از قلمرو گروه‌های تروریستی و در یک کلام، ایجاد قدرت اجتماعی برای آنها، قابل انکار نیست. در این رهیافت فکری و فرایند نمایش خشونت، بر دوگانه انگاری تأکید می‌شود و سازنده و طراح پیام خشونت آمیز سعی می‌کند با ایجاد تفکیک و تمایز بین «خود» و «دیگری» و نسبت دادن عجز و ناتوانی به «دیگری» و اقتدار و توانایی به «خود»، عملاً به نوعی قدرت اجتماعی دست یابد که نتیجه آن تصاحب قلب‌ها و مغزها خواهد بود.

(Molin Friis, 2017: 2)

برخی از اندیشمندان، از جمله ژان بودریار، اهمیت تصویر سازی در تحولات بین‌المللی را به خوبی شرح داده‌اند. بودریار معتقد است که اجتماع امروزی بشر از فن آوری ارتباطات اشباع شده و اکنون، به عصر وانمایی^۱ وارد شده است. در چنین دورانی، مرز بین تصویر و واقعیت خدشه دار می‌شود. مثلاً، بودریار جنگ خلیج فارس را یک نمایش رسانه ای دقیق توصیف می‌کند، یعنی نمی‌توان گفت این جنگ همان طور که نمایش داده شده، رخ داده است. (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۷)

بر اساس دیدگاه بودریار، شبیه سازی چهار مرحله را طی می‌کند:

الف. در ابتدا، تصویر انعکاسی از یک واقعیت است. بودریار این مرحله را مرحله ای می‌داند که در آن ما به واقعیت تصویر ایمان داریم. این مرحله انعکاس عمیق واقعیت توصیف می‌شود. بودریار این مرحله را «چینش مخلصانه» می‌نامد.^۲

ب. در مرحله بعد، تصویر به این علت انتشار می‌یابد که مانع دیده شدن یک واقعیت شود. در این مرحله، تصاویر و نشانه‌ها به شکل مخلصانه و به عبارت بهتر، برای رضای خدا حقیقت را به ما نشان نمی‌دهند. به این ترتیب، تصاویر مانع دیده شدن واقعیت اصلی می‌شوند. بودریار این مرحله را «چینش تبه‌کارانه» می‌نامد.^۳

ج. در مرحله سوم، پس از ایجاد مانع برای دیده شدن واقعیت، طوری رفتار می‌شود که غیبت واقعیت هم احساس نشود. این مرحله به شکلی صورت می‌گیرد که تصویر

1. Simulation
2. The Sacramental Orde
3. The Maleficence Order

نمایش داده شده همان اصل مآوقع تصور شود، در حالی که اصل ماجرا چیز دیگری است. بودریار نام این مرحله را چینش اغواگرانه می‌گذارد.^۱

د. و در مرحله آخر، تصویری در ذهن نقش می‌بندند که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. این تصویر خود یک «صورت خیالی خالص»^۲ است. در این مرحله، موضوع اصل بودن تصویر بی معنا می‌شود. به این ترتیب، تمایزی میان واقعیت یا نمایش وجود ندارد و تنها چیزی که مشاهده می‌شود شبیه سازی است. (Baudrillard, 1994: 4), (Poster, 1988, 166-184)

۲-۲. قدرت اجتماعی

پس از پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، نگرش به مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل به سرعت تغییر کرد. از جمله این مفاهیم مفهوم قدرت بود. در سالهای جنگ سرد، از منظری متصلب و رئالیستی به این مفهوم کلیدی عرصه روابط بین‌الملل نگرسته می‌شد؛ اما با تحول ارتباطات و اندیشه‌ها پس از سقوط بلوک شرق، بعد اجتماعی مفهوم قدرت هم به رسمیت شناخته شد. به این ترتیب، شاخص سنجش قدرت پدیده‌های بین‌المللی، آن گونه که «جوزف استالین» رهبر شوروی در جنگ جهانی دوم می‌پنداشت، تنها شمار تانک‌های کشورها^۳ و به عبارت دیگر، قابلیت‌های مادی قابل شمارش و اندازه گیری فیزیکی نبود، و مفاهیمی مانند قدرت نرم، قدرت هوشمند و از همه مهم‌تر، قدرت اجتماعی به دایره واژگان پژوهش‌های بین‌المللی راه یافتند. این توجه، نتیجه رونق یافتن مطالعات سازه‌انگاران بود که در آن‌ها، محققان، به جای اصل قرار دادن عناصر مادی، تلاش می‌کردند تحولات بین‌المللی را، با لحاظ کردن عناصر غیر مادی - مانند هنجارها، فرهنگ‌ها و هویت‌ها^۴ تبیین کنند و در این میان، ساخت اجتماعی قدرت اهمیتی ویژه داشت. (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۷۰)

1. The Sorcery Orde

2. Simulacrum

۳. استالین رهبر شوروی در جنگ جهانی دوم در پاسخ به انتقادات پاپ از خودش گفته بود: پاپ! مگر او چند تانک دارد؟

4. Norms

5. Cultures

6. Identities

در جهان امروز، قدرت اجتماعی بخش مهمی از پیکره جدید قدرت را تشکیل می‌دهد. این نوع قدرت که بر خلاف قدرت سخت دارای ویژگی احساسی و اقناعی در میان مخاطبان است، پس از به پایان رسیدن دوران جنگ سرد، با اثبات ناکارآمدی برداشتهای قدیمی تر از مفهوم قدرت، پا به عرصه اندیشه‌های روابط بین‌المللی گذاشته است. قدرت اجتماعی مفهومی برگرفته از جامعه‌شناسی است. «لایپیر»، جامعه‌شناس فرانسوی، در باره قدرت اجتماعی می‌گوید: تعلق داشتن به یک گروه اجتماعی اقرار ضمنی به این نکته است که گروه می‌تواند برخی از حقوق شما را بگیرد و برخی تکالیف را از شما توقع داشته باشد. (لایپیر، ۱۳۶۲)

مقرراتی که ما هنگام حضور در یک رستوران رعایت می‌کنیم، نه برخاسته از الزامات قانونی بلکه داوطلبانه و برخاسته از قدرت اجتماعی است. به گفته «ژرژ گوروویچ»، در حالتی که اعضا قویاً در امور مشارکت می‌کنند و خود به جهت مورد نظر سوق داده می‌شوند، می‌توان جلوه آشکار قدرت اجتماعی را دید. (گوروویچ، ۱۳۵۸: ۲۱-۴۳)

از نظر «فان هام»، قدرت اجتماعی همان الزام یک بازیگر به انجام دادن کاری یا تغییردادن دیدگاه او بدون دست یازیدن به زور است. به این ترتیب، گروه‌های تروریستی مانند داعش، با توسل به خشونت، امکان آن را پیدا می‌کنند که بدون حضور فیزیکی و یا مجبورکردن مخاطبان‌شان، تنها با ابزارهای ارتباطی توده‌ها را به اطاعت وادارکنند و هزینه رویارویی با خودشان را بالا ببرند. قدرت اجتماعی دارای سه ویژگی «اطمینان و قطعیت»، «پیچیدگی» و «جامعیت» است. در مورد اطمینان^۱ برخلاف قدرت سخت که تأثیر آن ممکن است تحقق نیابد، در اعمال قدرت اجتماعی، به علت ساختار اقناعی و تمهیدات زمانبری که قبلاً وجود داشته، بازیگران با موانع کمتری روبرو می‌شوند. قدرت اجتماعی، با کمک ویژگی پیچیدگی^۲ می‌تواند از فیلترهای سنتی دولت‌ها عبور کند و از طریق وسایل ارتباط جمعی نوین، به آسانی و در همه زمان‌ها، مخاطبان خود را بیابد. جامعیت قدرت اجتماعی^۳ می‌تواند آن را به همه ابعاد حوزه اجتماعی و بین‌المللی تسری دهد. (Van Ham, 2010: 23-57)

1. Certainty
2. Complexity
3. Comprehensiveness

در حوزه قدرت اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی نقشی کلیدی پیدا می‌کنند. وسایل ارتباط جمعی، با مدیریت مخاطبان و رقابت با وسایل ارتباط جمعی رقیب، می‌توانند به مدیریت اطلاعات خودشان در مقابل اطلاعات نامطلوب یا فشارهای خارجی کمک کنند. پس از سالهای جنگ سرد، گروه‌های تروریستی به اهمیت وسایل ارتباط جمعی و نقش آن‌ها در توسعه قدرت اجتماعی پی برده‌اند. در سال ۲۰۰۵ میلادی، در اوج نبرد موسوم به «جنگ با ترور» آمریکا، «ایمن الظواهری»، یکی از دو رهبر کلیدی القاعده گفته بود: «بیش از نیمی از مبارزه القاعده در محیط رسانه ای است». (Van Munster, 2015: 112-132), (Euben, 2002: 4-35), (Van Ham, 2010: 67) از آنجا که قدرت اجتماعی به ابزارهای مورد نیاز مادی که پیش‌تر تنها در اختیار دولت‌ها قرار داشتند وابستگی کمتری دارد، گروه‌های تروریستی مانند داعش به راحتی توانستند آن را در اختیار بگیرند و از آن بهره‌برداری کنند.

۳. یافته‌های تحقیق

درهم تنیدگی تروریسم با فضای مجازی موجب شکل‌گیری تروریسم پسامدرن شده است؛ به گونه‌ای که گروه تروریستی داعش به عنوان مظهر هویت مقاومت‌گرای غیراصیل تلاش می‌کند با استفاده از امکانات فضای مجازی، در جهت غالب ساختن دیدگاه‌های منحرفانه خود اقدام نماید و با استفاده از نمایش خشونت، افزایش قدرت اجتماعی خود در سطح منطقه و بین‌الملل را محقق سازد. این نمایش خشونت با ابراز نمادین قدرت و ساختن تصاویر مجازی از میدان جنگ همراه بوده که با واکنش بسیاری از رهبران جهان مواجه شده است. مثلاً، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس، حرکت‌های داعش را تجسم شیطان و شبکه‌ای از مرگ که در کشتار منحصر به فرد است، توصیف کرده بود. چاک هگل، وزیر دفاع آمریکا، داعش را «فراتر از آنچه تا امروز دیده بودیم» خوانده بود و و باراک اوباما معتقد است «داعش هیچ دیدگاهی جز قصابی ندارد و از آن چیزی به جز بدی، مرگ و ویرانی صادر نمی‌شود. در واقع، جلوه یک مرد دیوانه شیطانی نشان‌دهنده رودر رو بودن با نیرویی است که جنگ با آن یا محدود کردن آن ممکن نیست». (Molin Friis, 2015: 725)

۳-۱. فرآیند تصویر سازی داعش

داعش، در مسیر تلاش برای افزایش قدرت خود، نوع خاصی از اداره جامعه تحت کنترل خود را ترسیم و اجرا کرده است. این گروه تروریستی، با نمایش جلوه‌های خشونت بار، توانسته است به نوعی از قدرت دست یابد که به کمک آن، در هنگام گسترش و حتی در زمان از دست دادن قلمرو، بتواند تجلیاتی از یک دولت هر چند ناتوان را به نمایش بگذارد. سازمان تصویر سازی داعش چندان پیچیده نبوده است. در واقع، شورای رسانه ای داعش به رهبری ابوبکر بغدادی این سازمان را هدایت می‌کرده است. ابوبکر بغدادی مقامی فوق بشری برای خود قائل بود و بر همین اساس، همگان را به اطاعت از خودش موظف می‌دانست. او در تابستان سال ۲۰۱۴ میلادی، در سخنانی که از آن به عنوان آغاز بازگشت خلافت یاد کرد، در مسجد جامع موصل چنین گفت:

«انتصاب اینجانب به عنوان امیرالمؤمنین امانتی است که بر دوش من گذاشته شده ... هدف ما از برپایی خلافت اسلامی و اعلام دولت اسلامی، بازگرداندن احساس افتخار، احترام، عزت و سربلندی به مسلمانان است.»^۱

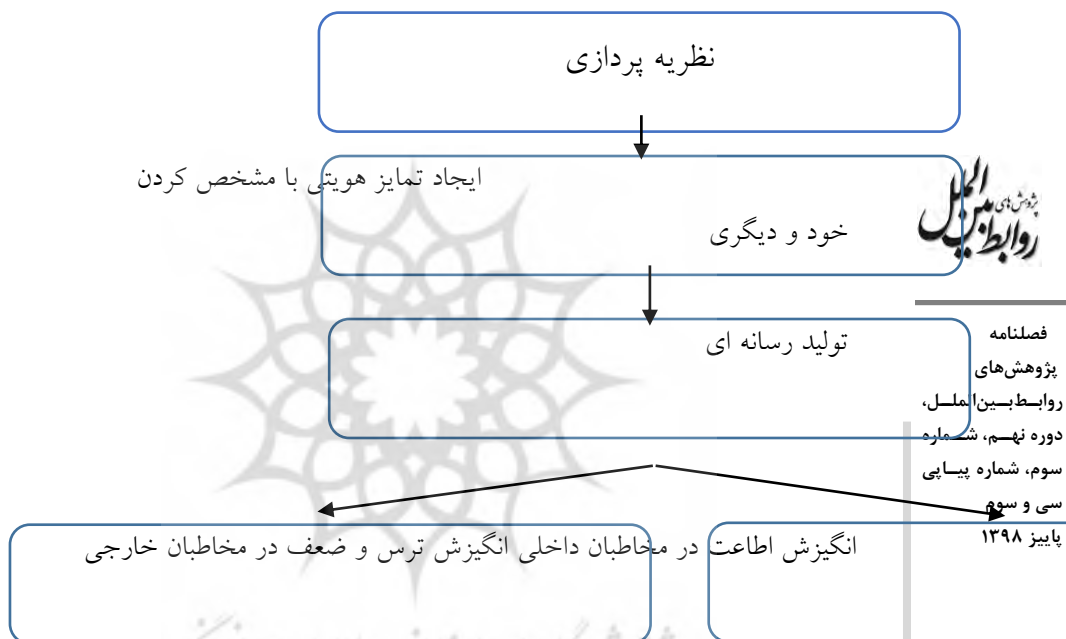
سازمان رسانه ای داعش شامل سه رکن رهبری، شورا و ابزارهای رسانه ای بوده است. شورای رسانه ای داعش وظیفه سیاست‌گذاری، طراحی کمپین اطلاعاتی و انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی را بر عهده داشته است. (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۶-۶۹)

ابزارهای رسانه ای این گروه شامل پنج گروه با وظایف جداگانه بود؛ مرکز رسانه ای «الحیات» کار طراحی و تولید ویدئوهای تبلیغاتی و مجلات آنلاین این گروه را انجام می‌داد. موسسه رسانه ای «البیان» کار تولید ویدئوهای تبلیغاتی را بر عهده داشت و موسسه «الفرقان» به تولید لوح فشرده، پوستر، جزوات و دیگر تولیدات برخط رسانه ای اشتغال داشت. «رادیو البیان» به تولید و پخش برنامه‌های صوتی و موسسه رسانه‌ای «اجناد» به تولید ترانه‌های جهادی و موسیقی‌های عقیدتی دسته جمعی و سرودها می‌پرداخت. (Molin Friis, 2015)

همه بخشهای این فرآیند در متن (Context) ایدئولوژی سلفی رخ می‌داد که در آن، هر گونه تشکیک در مبانی و دیدگاه‌های رهبران جرمی نابخشودنی محسوب می‌شد. از

مخاطبان اطاعت محض طلب می‌شد و عذابی سخت در انتظار مخالفان بود. تولیدات رسانه ای داعش سه مرحله نظریه پردازی، ایجاد تمایز هویتی با مشخص کردن خود و دیگری و در نهایت تولید رسانه ای را پشت سر می‌گذاشت. نمودار (۱) این مراحل را نشان می‌دهد.

نمودار ۱- فرایند تصویر سازی خشونت در داعش



همان گونه که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، در مرحله اول، سیاستگذاران و نظریه پردازان این گروه تصویر مورد نظر خود را براساس رویکرد بیان شده در هویت سلفی بیان می‌کنند و بر اساس آن، نقشه ای شناختی از جهان ترسیم می‌شود که بازنمایی مشخصی از «خود» و «دیگری» را به دیگر اعضا منتقل می‌کند. این بازنمایی زمینه را برای وارد شدن به فنون رسانه ای و در نهایت، ساخته شدن تصاویر برای نمایش در رسانه‌ها فراهم می‌کند. این فرایند، در نهایت، با دو بازخورد در میان مخاطبان، موجب افزایش قدرت داعش می‌شود. بازخورد اول مربوط به اتباع و وفاداران داعش است که موجب

افزایش فرمانبرداری آنان می‌شود و در بازخورد دوم، مخاطبان بین‌المللی داعش هدف قرار می‌گیرند که هزینه رویارویی با این گروه را سنگین‌تر از هزینه‌های متداول در جهان می‌یابند. (پیرانی و نظری، ۱۳۹۶: ۱۳۶)، (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۶-۶۹)

۳-۲. تصویر سازی داعش و قدرت اجتماعی

داعش نخستین گروهی نیست که برای دست یافتن به اهدافش از خشونت سود برده است. اما تصویر سازی داعش ویژگیهای منحصر به فردی دارد که برخی از آن‌ها به علت تحولات جهانی خارج از این گروه به وجود آمده‌اند. البته، داعش توانسته است به خوبی از این تحولات استفاده کند و با تصویر سازی، قدرت اجتماعی خود را افزایش دهد. برای تبیین علت افزایش قدرت اجتماعی گروه داعش بر اثر این تصویرسازی، باید به این چهار مؤلفه توجه کرد:

الف. وسیع بودن دایره مخاطبان تصاویر خشونت آمیز داعش به سبب تحولات فناوری: افزایش مخاطبان داعش از طریق ابزارهای ارتباطی نوین باعث شد که تبلیغات این گروه تروریستی به راحتی در سراسر جهان گسترش یابد. داعش توانست به کمک تصویری جهانی و فراگیر که از خشونت خود می‌ساخت، صدایش را به مخاطبانی پرشمار در سراسر جهان برساند. سرعت انتقال داده‌ها هم به کمک داعش آمد و این گروه توانست به سرعت، پیام‌های خود را با استفاده از منابع دست اول اطلاع رسانی در جهان، به مخاطبان برساند. همه این عوامل موجب افزایش قدرت اجتماعی داعش شد.

ب. بی‌نیازی داعش از سازمان‌های بزرگ ارتباط جمعی سنتی: پیش از داعش، اغلب گروه‌های تروریستی برای رساندن پیامشان به مخاطبان، نیازمند بودند که با سازمان‌های ارتباط جمعی سنتی - به خصوص رادیوها و تلویزیون‌های شناخته شده جهان - ارتباط برقرار کنند. بی‌نیازبودن داعش از وسائل ارتباط جمعی سنتی و نمایش تصاویر و پیام‌های این گروه در وسائل ارتباط جمعی خود ساخته موجب افزایش قدرت اجتماعی داعش در میان مخاطبان پیام‌های این گروه شد. این موضوع باعث شد که ابتکار عمل در زمان و مکان و چگونگی نمایش خشونت، در دست تصمیم‌گیران داعش قرارگیرد.

ج. استفاده داعش از خشونت حاد: خشونت حاد نوعی از خشونت است که از دید مخاطب ترسناک و توجیه ناپذیر است. این نوع خشونت نتیجه ساختار فرهنگی، سیاسی و گفت‌مانی عامل یا طراح خشونت است. مایکل هامفری در این باره می‌گوید: «رفتار خشونت آمیز در صورتی از جانب مخاطبان شدید و مخوف تلقی می‌شود که از مکانیسم‌های عادی در نظام‌های سیاسی و قانونی و اخلاقی مستقر در جهان فراتر برود» (Humphrey, 2002: 7).

این نوع خشونت نوعی کارکرد سیاسی دارد که نظم سیاسی خاصی را رد و نوع دیگری را تأیید می‌کند. داعش، به کمک این نوع از نمایش خشونت، علیرغم نداشتن امکان و توانایی رویارویی مستقیم با قدرت‌های مسلط یا رقیبان، توانمندی خود در رقابت را به ذهن مخاطبان القا می‌کند.

این موضوع در اعدام‌های داعش به شکل غرق کردن تدریجی قربانیان در استخر آب، قطع کردن سر با مواد منفجره به جای بریدن سر با چاقو، پرتاب کردن از روی بام و له کردن زیر زنجیر تانک، به خوبی قابل مشاهده است.

نکته کلیدی دیگر در ابراز قدرت اجتماعی داعش نبودن افرادی از جوامع غربی در رویارویی مستقیم با این قدرت‌ها بوده است. از آنجا که نقطه قوت حاکمیت سیاسی، به خصوص در دولت‌های غربی و حکومت‌های وابسته به لیبرال دموکراسی غربی، دفاع دولت‌ها از شهروندانشان بود، داعش با اعمال خشونت ضد شهروندان دولت‌های غربی، ناتوانی این دولت‌ها را در دفاع از شهروندانشان به نمایش می‌گذارد و قدرت اجتماعی خود را افزایش می‌دهد. (Awan, 2017: 138-149)

از منظری دیگر، خشونت نمایش داده شده داعش بیانگر نظمی جدید بود که جانشین نظم مورد نظر قدرت‌های مسلط جهانی شد. در این نظم جدید، مخاطبان تصاویر خشونت آمیز، نظم داخلی بسیار مستحکم تشکیلات داعش را مشاهده می‌کنند. این نظم حتی در پس زمینه تصاویر منتشر شده از اعدام‌های داعش به خوبی نمایان است. «جان جهادی»، جلال معروف داعش، در یکی از ویدئوهایش در این باره می‌گوید:

«شما دیگر با یک گروه شورشی نمی‌جنگید... ما یک ارتش اسلامی و دولت هستیم که بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان آن را به رسمیت شناخته‌اند.»^۱

نمایش خشونت پدیده‌ای جدید محسوب نمی‌شود. در واقع، در کنار هر ماشین جنگی، همواره یک ماشین تصویرسازی هم وجود داشته که تصویری برساخته از میدان جنگ را به شهروندان دور از میدان نبرد منتقل می‌کرده است. (مولین فریس، ۲۰۱۵، ص ۷۲۸) نمایش سربریدن قدمتی به طول تاریخ داشته است، اما در سالهای اخیر، ابتدا، جنگجویان چینی - در نبرد با روسیه در دهه ۱۹۹۰ - چنین تصاویری را نمایش دادند. در جنگ موسوم به «نبرد با ترور» در ابتدای قرن بیست و یکم، تصاویر سر بریدن‌های القاعده در غرب - به خصوص اعدام «دانیل پرل» در سال ۲۰۰۲ و «نیکلاس برگ» در سال ۲۰۰۴ - بازتاب وسیعی پیدا کرد. (Molin Friis, 2015: 729)

در سال ۲۰۱۴، با رو آوردن داعش به چنین اعدام‌هایی، رسانه‌های جهان توجه گسترده خود را به این حرکت خشونت آمیز معطوف کردند. تصویرسازی از این اعدام‌ها، به سبب داشتن ویژگی‌هایی همچون نمایش خشونت عریان و سبوعانه‌ای که بر قربانیان اعمال می‌شد، استفاده حرفه‌ای تروریست‌ها از ابزارهای رسانه‌ای مانند اینترنت، موبایل و شبکه‌های مجازی و بهره‌گیری از فنون مؤثر در افزایش تاثیرگذاری تولیدات رسانه‌ای (مانند صحنه آرایبی، رنگ نور، صدا، افکت محیط و...) بر مخاطبان تأثیری عمیق می‌گذاشت.

انتقال چندین پیام با تصویر واحد، به خصوص نمایش قدرت نظم و فرماندهی تروریست‌ها، در عین نمایش تصاویر ضعف قربانیان و تلاش برای بیان علت اعدام قربانیان در ویدئوهایی حاوی تصاویر بمباران‌ها و مرگ کودکان به دست مهاجمان غربی و غیر غربی، در این ویدئوها به خوبی مشهود بود. (Molin Friis, 2017: 17)

د. تأثیر نمایش خشونت: تأثیری که نمایش خشونت‌های داعش بر افکار عمومی بین‌المللی گذاشته است با مقایسه میان شمار تلفات جنگ سوریه و شمار کشته شدگان در اعدام‌های داعش مشخص می‌شود. سازمان غیردولتی دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرده است که از آغاز جنگ سوریه در مارس ۲۰۱۱ تا تابستان ۲۰۱۷، بیش از ۲۹۰

1. www.bbc.com/persian/world/.../150302_131_jihaijohn_isis_fighter

هزار نفر در این کشور کشته شدند که حدود ۵۰ هزار نفر آنان از اعضای داعش و جبهه النصره بوده‌اند. مقایسه این آمار با کشته شدن حدود ۴۶۰ نفری که در برابر دوربین‌های تلویزیونی به دست داعش اعدام شده‌اند، تأثیر شگرف نمایش خشونت در برابر دوربین‌های تلویزیونی را نشان می‌دهد.

در جدول ۲، فهرستی آمارگونه از رفتارهای خشونت آمیز داعش ثبت شده که به شکلی کاملاً برنامه ریزی شده، با استفاده از فنون تصویر برداری و فیلم سازی حرفه ای، جلوی دوربین‌های تلویزیونی رخ داده و سپس، به شکلی کاملاً سازماندهی شده وارد فضای رسانه ای بین‌المللی شده است. در این جدول، بیست و هفت اقدام داعش در کشتن فجیع قربانیان که غالباً به شکل بریدن سر یا رفتارهایی خشن تر رخ داده، احصا شده است. این اعدام‌ها از اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی، با قتل «جیمز فولی» آمریکایی آغاز شده و با شهادت «محسن حججی» در تابستان سال ۲۰۱۷، خاتمه می‌یابد. افراد کشته شده را اتباع یازده کشور ایران، سوریه، اردن، عراق، آمریکا، لبنان، انگلیس، فرانسه، ژاپن، مصر و کرواسی تشکیل می‌دهند.

در این اقدامات، در مجموع ۴۶۲ تن کشته شده‌اند که در مقایسه با آمار تقریباً حدود سیصد هزار نفری که طی حملات داعش در فاصله سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ میلادی کشته شده‌اند، بسیار ناچیز است؛ اما به سبب انعکاس رسانه ای صحنه‌های جنایت داعش، اهمیت این خشونت‌ها دو چندان شده است. به عبارت دیگر، آنچه بیش از آمار چند صدهزار نفری کشته شدگان عملیات داعش موجب جلب توجه و افزایش هراس مخاطبان و احساس اقتدار داعش در جهان امروزی می‌شود، تلقی ذهنی ایجاد شده از داعش است که بر مبنای مطالعات مربوط به ساخت اجتماعی قدرت یا همان قدرت اجتماعی قابل تحلیل خواهد بود. از میان این اعدام‌ها، نه اقدام داعش با استفاده از فنون کمابیش پیشرفته تصویربرداری و سناریو پردازی رخ داده است که مهم‌ترین آن‌ها، انتشار تصاویر سوزاندن خلبان اردنی در قفس (به همراه مونتاز موازی تصاویر تلفات غیر نظامیان در بمباران هوایی در سوریه)، اعدام ۲۱ قبطی مصری در ساحل طرابلس لیبی) همراه با حرکت‌های حرفه ای دوربین و نمایش خونین شدن آب دریا پس از اعدام

قربانیان)، تیرباران جمعی ۲۰۰ عراقی در صحنه ای واحد، اعدام یک رزمنده سوری با شلیک مستقیم گلوله آر پی جی ۷ و اعدام ۲ نیروی امنیتی عراقی با سوزاندن آن‌ها در آتش به کمک فنون تصویر برداری حرفه ای بوده است.

جدول ۲- رفتارهای خشونت آمیز داعش که در فضای مجازی منتشر شده^۱

تصویر سازی-اولیه یا تصویر	تصویر	کشور	کشور	کشور	کشور	تاریخ	شماره
۳۷ پیشرفته	بریدن سر به دست جان اولیه	۱	سوریه	آمریکای	جیمز فولی	۱۱/۲۲/۲۰۱۲	۱
	جهادی			ی			
	بریدن سر	۱	سوریه	لبنانی	علی السید	۸/۲۸/۲۰۱۴	۲
	این سرباز جلوی ۲۳ زندانی اولیه دیگر که سرنوشتشان نامعلوم بود سر بریده شد	۱	سوریه	سوری	ناشناس- سرباز کرد	۸/۲۹/۲۰۱۴	۳
	بریدن سر به دست جان اولیه	۱	سوریه	آمریکای	سوتلوف	۱۱/۲/۲۰۱۴	۴
	جهادی			ی			
	بریدن سر به دست قاتل اولیه	۱	سوریه	لبنانی	عباس	۹/۶/۲۰۱۴	۵
	نامعلوم						
	بریدن سر به دست جان اولیه	۱	سوریه	انگلیسی	دیوید هاینس	۹/۱۳/۲۰۱۴	۶
	جهادی						
پیشرفته	آتش زدن در قفس	۲۱	عراق	عراقی	کردها	۹/۲۱/۲۰۱۴	۷
اولیه	بریدن سر	۱	الجزایر	فرانسو	هروه گوردل	۹/۲۴/۲۰۱۴	۷
				ی			

اولیه	بریدن سر	۱۰	سوریه	سوری	عرب‌ها و کردها در کوبانی	۱۰/۱ / ۲۰۱۴	۸
اولیه	بریدن سر به دست جان جهادی	۱	سوریه	انگلیسی	آلن هنینگ	۱۰/۳ / ۲۰۱۴	۹
اولیه	بریدن سر	۱	سوریه	آمریکایی	پیتسر کسینگ	۱۱/۱۶ / ۲۰۱۴	۱۰
اولیه	بریدن سر	۱۰۰	سوریه	مilitها	اعضای فراری داعش مختلف	۱۲/۱ / ۲۰۱۴	۱۱
اولیه	بریدن سر به دست جان جهادی	۲	سوریه	ژاپنی	یوکاوا- گنجی گوتو	۱/۲ / ۲۰۱۵	۱۲
پیشرفته	سوزاندن در قفس	۱	سوریه	اردنی	معناذ الکسابه	۱/۳ / ۲۰۱۵	۱۳
اولیه	بریدن سر	۱	سوریه	سوری	هوجم سورچی کرد	۱/۲۸ / ۲۰۱۵	۱۴
پیشرفته	مقتولان از سرت لیبی ر بوده شده بودند و آب دریا با خونشان سرخ شد	۲۱	ساحل	مصری	قبطیها	۲/۱۵ / ۲۰۱۵	۱۵
اولیه	قتل با بریدن سر و تیراندازی	۳۰	لیبی	اتیوپیایی	مسیحیان	۴/۱۹ / ۲۰۱۵	۱۶
پیشرفته	اعدام با شلیک آر پی جی ۷	۱	سوریه	سوری	ابراهیم شریده	۵/۲۰ / ۲۰۱۵	۱۷
اولیه	بریدن سر	۱	مصر	کروات	تومیسلاو	۸/۱۲ / ۲۰۱۵	۱۸

			سینا	سالوپک	۲۰۱۵	
پیشرفته	سوزاندن با آتش به صورت پیشرفته	۴	انبار	عراقی	نیروهای امنیتی	۱۹ / ۹/۲ / ۲۰۱۵
پیشرفته	معلق زیر گرفتن با تانک	۱	حمص	سوری	راننده تانک	۲۰ / ۱۰/۲۵ / ۲۰۱۵
پیشرفته	حبس در قایق و انفجار در میان دریا- انفجار خودرو-۳۳۹ گردنبند انفجاری	۲۱	یمن- دریا و خشک	یمنی	انصارالله	۲۱ / ۱۲/۵ / ۲۰۱۵
			ی			
پیشرفته	حبس در قفس و غرق کردن در استخر	۸	فیصلیه عراق	عراقی	نیروهای امنیتی	۲۲ / ۲/۱۴ / ۲۰۱۶
تولیدی و دولتی عراق و شام از	تیراندازی از نزدیک	۱۵	سوریه	ایرانی	نیروهای سپاه	۲۳ / ۴/۵ / ۲۰۱۶
اولیه	بریدن سر	۱	سوریه	سوری	کودک ۴ ساله	۲۴ / ۶/۱۹ / ۲۰۱۶
پیشرفته	مرگ با عبور بلدوزر از روی بدنها	۱۲	کرکوک	عراقی	بزرگسالان	۲۵ / ۱۰/۹ / ۲۰۱۶
پیشرفته	اعدام صف طولانی مقتولان با دهها تیرانداز	۲۰۰	عراق	عراقی	نوجوانان	۲۶ / ۱۱/۸ / ۲۰۱۶
پیشرفته	استفاده از قلابه - قفس و آتش	۲	سوریه	ترک	نظامیان	۲۷ / ۱۲/۲۶ / ۲۰۱۶
اولیه	بریدن سر	۱	سوریه	ایرانی	محسن حججی	۲۷ / ۸/۱۰ / ۲۰۱۷

از بین دیگر اعدام‌های برنامه‌ریزی شده داعش می‌توان به این موارد اشاره کرد: زیر گرفتن راننده تانک سوری با تانک در حمص، اعدام ۲۱ یمنی با روش‌هایی عجیب مانند منفجرکردن قایق در وسط دریا، غرق کردن ۸ عراقی محبوس در قفس در استخر، عبور بلدوزر از روی بدن ۱۲ عراقی و اعدام ۲۰۰ نوجوان عراقی در صفی طولانی به دست ده‌ها تیرانداز. جالب آنکه، روش‌های ابتکاری داعش در اعدام قربانیان، اغلب در مورد اتباع کشورهای خاورمیانه به کار رفته‌اند و اعدام اتباع غربی اغلب به شکل انفرادی و در نمایی بسته صورت گرفته است.

در اعدام اتباع کشورهای غربی، حضور فردی با شمایل غربی و لهجه غلیظ انگلیسی به نام «جان جهادی» خودنمایی می‌کند. جان جهادی در ویدئوهایش، به دیگر اتباع غربی با سخنانی تهدید آمیز، وعده سرنوشتی مشابه با اعدام شدگان را می‌دهد. (Gerges, 2014: 239-243)

در همه این موارد، ابزارهای نوین ارتباطی که ترکیبی از چندین تکنولوژی (شامل وسایل ارتباط جمعی، انفورماتیک و ارتباطات دور) است، به کمک داعش آمده‌اند. استفاده از این فناوری‌ها به گروه تروریستی داعش در ضبط، ذخیره سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات در هر زمان و مکان یاری کرده است و موجب افزایش قدرت اجتماعی این گروه شده است. (Lentini and Bakashmar, 2007: 303-325)

حرکت‌های خشونت آمیز تروریست‌های داعش حاوی این پیام سیاسی است که به موازات آسیب پذیر بودن افراد در جوامع غربی، نظام سیاسی آنان هم در برابر داعش آسیب پذیر و شکننده است. داعش از طریق آمیختن این اعدام‌ها با تصاویر اعضای منظم

گروه داعش که با هیأتی یکسان در تصاویر دیده می‌شوند، به مخاطبان غربی القا می‌کند که با دشمنی قدرتمند مواجه‌اند (حتی در مواردی، کودکان خردسال با چاقو بزرگسالان غربی را اعدام می‌کنند) و به این ترتیب، به شکل علنی یا تلویحی، نظم غربی مستقر در جهان را به چالش می‌کشند و از آن مهم‌تر، قدرت خود را در به چالش کشیدن این تمدن ابراز می‌کنند. (Molin Friis, 2017: 16)

تصویرسازی داعش در همه موارد برشمرده توانسته مراحل چهارگانه تصویرسازی براساس دیدگاه بودریار را طی کند. در مرحله چینش مخلصانه یا همان انعکاس واقعیت، داعش به اشکال متفاوت اعدام گروگان‌ها را نشان داده است. مخاطبان با دیدن این تصاویر به واقعی بودن تصویر باور داشته‌اند. در مرحله بعد، تصاویر به این علت انتشار یافته‌اند که واقعیتی دیگر را انکارکنند. این دقیقاً همان هدفی است که داعش دنبال کرده و تلاش کرده است که با نشر تصاویر خشونت آمیز، ناتوانی خود را در رویارویی با چند قدرت منطقه ای و فرا منطقه ای به مخاطبانش القا کند. این مرحله را بودریار چینش تبه‌کارانه می‌خواند.

در مرحله سوم، داعش با نمایش تصاویر خشونت آمیز تلاش می‌کرد تا وجود ضعف در میان نیروهای این گروه تروریستی احساس نشود و این کار به شکلی صورت می‌گرفت که غیبت واقعیت هم احساس نشود. بودریار این مرحله را چینش اغواگرانه^۳ نامیده است. در مرحله آخر، با نمایش تصاویر خشونت آمیز داعش، یک صورت خیالی^۴ در اذهان نقش می‌بست که هیچ ارتباطی با واقعیت نداشت. در این مرحله، موضوع اصل بودن تصویر بی معنا می‌شد و تمایزی میان واقعیت یا نمایش آن وجود نداشت. رخدادهایی مانند بازی گرفتن از قربانیان جلوی دوربین، وادار کردن آنان به گفتن سخنانی برخلاف میلشان در باره کشورهای متبوعشان و بالاخره، بازسازی نماها و تصاویر متعدد و بهره‌گیری از فنون حرفه‌ای مونتاژ تصاویر برای القای احساس برتری

1. The Sacramental Order
2. The Maleficence Order
3. The Sorcery Order
4. Simulacrum

داعش، جلوه‌هایی از تلاش داعش برای ایجاد صورت خیالی در تصاویر منتشر شده از خشونت‌هاست. (Poster, 1988, 166-184) (Baudrillard, 1994: 4)

نتیجه‌گیری

در سالهای نه چندان دور، سیاستمداران، با در انحصار داشتن رسانه‌ها، تصویری از فضای بین‌المللی به نمایش عموم می‌گذاشتند که صرف نظر از ابتدا یا عدم ابتدا بر واقعیت، مورد قبول قرار می‌گرفت. اکنون، با در دسترس قرار گرفتن ابزارهای نوین ارتباطی، سیاستمداران در این میدان تنها نیستند بلکه دیگر تأثیرگذاران بر روابط بین‌الملل و از جمله خطرناک‌ترین آن‌ها یعنی گروه‌های تروریستی نیز به چنین ابزاری مجهز شده‌اند. در این مقاله، فرایند تصویرسازی گروه تروریستی داعش در طول استقرار دولت اسلامی عراق و شام از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ میلادی، به عنوان نمونه مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته شده است.

هدف مقاله حاضر تبیین رفتار داعش در خلق تصویری خشن از خود است. با توجه به اینکه تصویرسازی تلاش عوامل تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل (شامل دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌ها و افراد) برای شکل دهی به ادراک و ذهنیت دیگران از موقعیت، ویژگیها و محتوای هویتی، بر اساس رویکرد مورد نظر این کنشگران است. با توجه به این مهم استدلال مقاله حاضر این است که تصویر خشن داعش پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۲، با تصویرسازی در قالب تلاش برای ترویج گفتمان کلامی، متنی و تصویری شکل گرفته است و نتایج آن - شامل تشدید منازعه در ابعاد محلی، منطقه ای و بین‌المللی - سبب شد که این گروه تروریستی بتواند حاکمیت ملی عراق و سپس سوریه را تهدید کند. تبلیغات داعش از طریق سیاست‌گذاری، طرح دکترینها و انتشار بیانیه‌های سیاسی از طریق فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی صورت می‌گرفت؛ اما مهم‌ترین رکن آن، یعنی نمایش اعمال اعدام‌های خشونت آمیز که با هدف ایجاد ترس و وحشت و نشان دادن و القای قدرت داعش از طریق ابزارهای ارتباطی طراحی و اجرا و نمایش داده می‌شود. در این فرایند، تبلیغات رسمی داعش با ارائه نظریه سلفی‌گری و خلافت شکل گرفت و در نهایت، تبلیغات عمومی

این گروه با استفاده از بازنمایی‌های رسانه‌ای، باعث شد که داعش بتواند در بعد منطقه‌ای به عنوان قدرتی هماوردناپذیر نمایش داده شود؛ تا جایی که سودای تصرف بغداد و دیگر شهرهای جنوبی عراق و سراسر سوریه را در سر بپروراند. به این ترتیب، داعش توانست ضمن هویت بخشیدن به دولت خود و جلب حمایت یا اطاعت اتباعش، زمینه لازم برای توسعه طلبی و جلب وفاداری برای خود را فراهم کند.

در هر منازعه ژئوپلیتیک، نیروهای سیاسی هر طرف منازعه از ابزار مختلف و به طور خاص از بازنمایی‌های گوناگون رسانه‌ای در جهت اثبات حقانیت و قدرت خویش، کنترل اتباع و مجازات مخالفانشان استفاده می‌کنند. یکی از راهبردهایی که گروه‌های تروریستی برای قدرتمند نشان دادن خود از آن استفاده می‌کنند، تولید گفتمان خشونت از طریق تصویرسازی با هدف ایجاد وفاداری در میان اتباع و پیروانشان است. این تصویرسازی اغلب با استفاده از روش‌هایی صورت می‌گیرد که رسانه‌های عمومی به کار می‌برند و مکان‌ها و موقعیت‌ها را در مقابل دوربین قرار می‌دهند تا دریافت و تلقی آنان در محل زندگی مخاطبان جهانی به نمایش در آید.

نتیجه افزایش قدرت اجتماعی داعش ایجاد انسجام درون گروهی و افزایش میل به جذب در میان طرفداران، افزودن برهزینه ذهنی دشمنان برای درگیری با این گروه و سهولت کنترل جمعیت تحت تسلط دولت اسلامی در داخل قلمرو آن بوده است. همان گونه که مشاهده می‌شود، این نوع افزایش قدرت داعش به گونه‌ای رخ می‌دهد که به حضور این گروه در قلمرویی خاص یا داشتن ارتش و سازمان اداری و بروکراتیک منظم دولتی نیاز چندانی ندارد.

منابع

احمدیان، قدرت و نوری، مختار. (۱۳۹۴). «نقش ابعاد تکنولوژیک و سیاسی جهانی شدن در گسترش جریان‌های افراطی؛ بررسی موردی گروه داعش»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۳۰۲، صص ۵۳-۴۲.

امام جمعه‌زاده، جواد؛ میرکوشش، امیرهوشنگ. (۱۳۹۲). «آینده روابط آمریکا و چین: همکاری؛ رقابت»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره نهم، صص ۷۸-۸۵.

امینی، آرمین. (۱۳۸۳). «تحلیل روابط ایران- اتحادیه اروپا از منظر سازه‌گرائی»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال نخست، پیش شماره یکم، صص ۱۶۵-۱۵۴. بصیری، محمد علی و دیگران. (۱۳۹۵). «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۱۹، صص ۷۱-۵۱.

پیروتی، طاهر. (۱۳۹۴). *سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر با تاکید بر القاعده و داعش*، تهران: دانشگاه خوارزمی.

پیرانی، شهره و نظری، علی اشرف. (۱۳۹۶). «تحلیل کنش‌های خشونت بار داعش از چشم‌انداز روان‌شناسی سیاسی؛ با تاکید بر نظریه تعارض واقع‌گرایانه»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۶، صص ۱۵۰-۱۱۹.

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۵، شماره ۴، صص ۳۹-۷.

ترابی، قاسم و حشمتی، امیر. (۱۳۹۴). «نظریه انتقادی فرانکفورت و تبیین حرکت‌های ساختارشکنانه با تاکید بر تروریسم داعش»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۸۱، صص ۱۰۶-۸۳.

جنیدی، رضا؛ احمدی پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۲). تبیین فرایند تصویرسازی ژئوپلیتیک؛ تصویرسازی ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا از اتحاد جماهیر شوروی سابق در دوره جنگ سرد، *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال دوم، شماره ۱، صص ۶۹-۴۶.

چهری، هادی. (۱۳۹۵). *تأثیر شکل‌گیری داعش بر نظام امنیتی خاورمیانه*، تهران: دانشگاه خوارزمی.

- ساوه درودی، مصطفی. (۱۳۹۳). «بحران سازی داعش در عراق؛ چیستی و چرایی»، *ماهنامه برآورد*، شماره ۱۶، صص ۱۵-۵.
- گریفتس، مارتین. (۱۳۹۴). *دانشنامه سیاست جهان و روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، تهران: نی.
- گورویچ، ژرژ. (۱۳۵۸) *جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسانی*. مترجم: حسن حبیبی. شرکت سهامی انتشار.
- مبینی کشه، زهرا و آجیلی، هادی. (۱۳۹۳). «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، *فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین*، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- مراد، گونش و چیف‌چی، صبری. (۱۳۹۳). «چرا شهروندان ترکیه به داعش می‌پیوندند؟» مترجم گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی، *ماهنامه برآورد*، سال ۲، شماره ۲۲، صص ۲۷-۳۰.
- محمودی، نرگس. (۱۳۹۵). *پدیده داعش و تشدید واگرایی منطقه‌ای در آسیای غربی (۲۰۱۴-۲۰۱۱)*، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- ناوشکی، حسین و احمدیان، قدرت. (۱۳۹۴). «عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۷۲، صص ۶۸-۴۳.
- نصری، قدیر. (۱۳۹۳). «رهنامه استراتژیک داعش؛ بحثی در انگیزه و بنیاد فکری خشم»، *ماهنامه برآورد*، شماره ۱۹، صص ۹-۵.
- هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). «سازه‌نگاری: از روابط بین‌المللی سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۷، ش ۴ زمستان.
- یزدان‌فام، محمود و حمیرا مشیرزاده و نبی‌الله ابراهیمی. (۱۳۸۹). *دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یزدانی، عنایت‌الله و نژاد زندیه، رؤیا. (۱۳۹۳). «نگاهی سازه‌انگارانه به ظهور پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه: با تأکید بر پیدایش داعش در منطقه»، *فصلنامه حیل‌المتین*، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۷۰-۱۴۳.

- Baudriard, J. (1994). **Simulcara and Simulation**, Trans. S.F. Glaser, University of Michigan Press.
- Bitar, Sali. (2015). **Sexual Violence as A Weapon of War: The Case of ISIS in Syria and Iraq**, Degree of Master, Sweden: Uppsala University.
- Campbell LJ. (2006). "The use of beheadings by fundamentalist Islam". **Global Crime** 7(3/4): 583–614.
- Der Derian J. (2013). From war 2.0 to quantum war: The superpositionality of global violence. **Australian Journal of International Affairs** 67(5): 570–585.
- Euben RL. (2002). **Killing (for) politics: Jihad, martyrdom, and political action. Political Theory** 30(1): 4–35. Euben RL (forthcoming) Spectacles of sovereignty in digital time: ISIS executions, visual rhetoric, and sovereign power. Perspectives on Politics.
- Friis SM. (2015). Beyond anything we have ever seen: Beheading videos and the visibility of violence in the war against ISIS. **International Affairs** 91(4): 725–746.
- GERGES, FAWAZ A. (2014). **ISIS and the third Wave of Jihadism**, Current history.
- Hansen L. (2015). How images make world politics: International icons and the case of Abu Ghraib. **Review of International Studies** 41(2): 263–288.
- Humphrey M. (2002). **The Politics of Atrocity and Reconciliation: From Terror to Trauma**. London: Routledge.
- Milton D. (2016). **Communication breakdown: Unraveling the Islamic State's media efforts**. Available at: <https://www.ctc.usma.edu/posts/communication-breakdown-unraveling-theislamic-states-media-efforts> (accessed 11 November 2016).
- Nissen TE. (2015). **The Weaponization of Social Media**. Copenhagen: Royal Danish Defense College.
- van Munster R. (2015). **Inside war: Counterinsurgency and the visualization of violence**. In: van Munster R and Sylvest C (eds) Documenting World Politics: A Critical Companion to IR and Non-Fiction Film. London: Routledge, pp. 114–132.

۲۴۶

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نهم، شماره
سوم، شماره پیاپی
سی و سوم
پاییز ۱۳۹۸

- Bunzel, Cole. (2015). **“From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State”**, Washington: Center for Middle East Policy at Brookings.
- Gerges, Fawaz A. (2014). “ISIS and the Third Wave of Jihadism”, **Current History**, 113(767): 243-339.
- Imran, Awan. (2017). “Cyber- Extremism, Isis and the Power of Social Media”, **Springer Journal**, Birmingham City University, pp138-149.
- Lewis Jessica D. (2014). **“The Islamic State: A Counter-Strategy for a Counter-State”**, Institute for the Study of War. Available at: <http://www.understandingwar.org/report/islamic-state-counter-strategy-counter-state>
- Molin Friis, Simone. (2015). Beyond anything we have ever seen Beheading videos and the visibility of violence in the war against ISIS, **International Affairs**, 91:4, pp. 725-746.
- Molin Friis, Simone. (2017). Behead, burn, crucify, crush’: Theorizing the Islamic State’s public displays of violence, **European Journal of International Relations** 00(0), PP1-25.
- Phillips, David. (2014). **“Isis Crisis”**, American Foreign Policy Interests, **The Journal of the National Committee On American Foreign Policy**. Pollack, pp 122-231.
- Pooley, Elizabeth. (2015). **A New Sisterhood: The Allure Of ISIS In Syria For Young Muslim Women In The UK** (Degree Of Master), USA: Arizona State University.
- Poster, Mark. (1988). **Jean Baudrillard Selected Writings**, London, Philpapers.
- Van Ham, Peter. (2010). **Social Power in International Politics**: London, Routledge.
- Waldeck, Annika. (2015). **The Ideology of ISIS: A Motivation for Europeans to Become Foreign Fighters** (Degree of Mdbaster), Denmark: Roskilde Universitet.
- Weiss, Michael and Hassan, Hassan. (2015). **Inside the Army of Terror**, Reygan art. New York.